

بررسی ارتباط بین تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی با شفافیت شرکتی

محمد رضا عبدلی*

محمد رضا شورورزی**

سعیده میرزائی***

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۲۵

چکیده

در این پژوهش ضمن بررسی تاثیر متقابل بین شفافیت شرکتی و سیاست های مالیاتی شرکت ها و پرداختن به حوزه های مختلف ارتباط این دو مقوله مهم در حسابداری، تلاش شده است با استفاده از معیارهای شفافیت مؤسسه استاندارد اند پورز (۲۰۰۲)، میزان شفافیت شرکتی در نمونه ای از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارزیابی و همبستگی آن با سیاست مالیاتی شرکت های نمونه مورد آزمون قرار گیرد. جهت اطمینان از قابل اتکاء بودن نتایج از آزمون های پیش فرض مدل رگرسیون استفاده شده است. جهت آزمون فرضیه ها و همچنین آزمون های تکمیلی از مدل رگرسیونی لجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی نمونه ای برابر با ۱۱۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران (در بازه زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰) بیانگر این مطلب است که بین شفافیت شرکتی در

* استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، گروه حسابداری، شاهرود، سمنان، ایران (نویسنده مسئول).
Email: mra830@yahoo.com

** استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، گروه حسابداری، نیشابور، خراسان رضوی، ایران.
Email: m_r_shoorvarzy@yahoo.com

*** کارشناس ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم و تحقیقات خراسان رضوی، گروه حسابداری، نیشابور، ایران
Email: saidehmiraee@yahoo.com

خصوص عملکرد مالی و افشاء اطلاعات و معیار سیاست متهورانه مالیاتی شرکت ها همبستگی منفی وجود دارد. اما بررسی ها بعمل آمده، وجود رابطه بین شفافیت شرکتی در خصوص ساختار مالکیت و حقوق مالکان با سیاست های متهورانه مالیاتی و شفافیت شرکتی در خصوص ساختار و ترکیب هیأت مدیره با این سیاست ها را تایید نکرد.

واژه های کلیدی: شفافیت شرکتی، مالیات ابرازی، مالیات تشخیصی

۱- مقدمه:

اطلاعات شفاف را می توان به عنوان یکی از ابزارهای ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران دانست. هر قدر توزیع اطلاعات در جوامع بیشتر باشد، امکان تصمیم گیری آگاهانه و پاسخگویی بخش خصوصی و دولتی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر میشود و امکان رشد فساد کاهش می یابد (واناث و کافمن^۱؛ ۱۹۹۹). از سوی دیگر به همان اندازه نیز شرکت ها در ایفای مسئولیت پاسخگویی خود نسبت به ذینفعان موفق عمل خواهند نمود و در نتیجه، ارائه اطلاعات شفاف موجب محاسبه دقیق و صحیح مالیات حقه دولت خواهد شد (نویخت، ۱۳۸۵). با توجه به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی استفاده از برنامه ریزی متهورانه مالیاتی و با توجه به تغییر توازن قدرت بین بازار و دولت های مختلف، افراد و سازمان های متعددی در سراسر جهان و به خصوص در اروپا، مسئله مالیات را به عنوان بخش جدایی ناپذیر از "نسل دوم" مسئولیت اجتماعی شرکت ها در نظر می گیرند (هراری^۲، ۲۰۱۲). در یک ارتباط دو سویه از آنجا که سیستم مالیاتی بهترین راه شفافیت درآمدی است، آمار و تصویر ایجاد شده در یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه می تواند خود یک کنترل کننده نرم افزاری و علمی جهت ارتقاء سطح کارآمدی اقتصاد و شفافیت اطلاعات منتشر شده در حوزه های مختلف اقتصادی هر کشور باشد. از این دیدگاه به نظر می رسد، سیاست های مالیاتی مناسب منجر به بهبود شفافیت گزارشگری مالی، و شفافیت مناسب گزارشگری مالی به محاسبه دقیق مالیات خواهد انجامید.

^۱ Vishwanath & Kaufmann

^۲ Harari

۲- ادبیات موضوعی

در اکثر پژوهش های انجام شده درخصوص گزارشگری مالی علایق و ذائقه استفاده کنندگان برون سازمانی شامل سرمایه گذاران، مدیران، حسابرسان و دانشگاهیان و... اساس کار قرار میگیرد. در حالی که به نقش پراهمیت دولت به عنوان یکی از مهمترین گروه های ذینفع همیشگی گزارشگری مالی کمتر یاد میشود. در گزارشگری مالی سهم دولت از منافع بنگاه از طریق سود حسابداری قابل قبول ممیز مالیاتی به همراه برخی تعدیلات محاسبه میشود. در واقع این فرآیند بطور غیرمستقیم میتواند مهر تأییدی بر سود حسابداری گزارشگری مالی باشد؛ یعنی در صورت پذیرش گزارش مالی توسط مراجع مالیاتی، طبیعتاً اعتبار ویژه ای به گزارش های مالی بخشیده می شود (عرب مازار، ۱۳۹۰). از سوی دیگر از نظر داموداران^۱ (۲۰۰۲) یکی از مهمترین دلایل کاهش انگیزه شرکت ها برای افشای اطلاعات در کنار دلایلی چون کنترل و تقلب، مزایای مالیاتی می باشد. این واقعیت که ساختار مالکیت در شرکت های بورسی یعنی اینکه تا چه میزان مالکین عمده یا پراکنده هستند از اهمیت برخوردار است؛ و به همین دلیل انسجام و عدم انسجام هیئت مدیره که نتیجه ساختار مالکیت است نیز در کنار وجود اطلاعات مالی به هنگام، دقیق و صحیح، که مورد آزمون قرار گرفته حایز اهمیت بوده و نزد سرمایه گذاران در بورس مورد توجه است (سینایی و داودی، ۱۳۸۸). همچنین شفافیت و افشای مناسب که باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات و عدم قطعیت اطلاعات می شود، بعنوان جزئی جدایی ناپذیر از نظام راهبری شرکت ها به شمار می رود. نگرانی سهامداران در این خصوص با افشای هر چه بیشتر اطلاعات اعم از مالی و غیرمالی و بالاخص اطلاعات مربوط به ساختار تصمیم گیری ها در شرکت کاهش می یابد. در این خصوص جنبه های مختلف افشا که در گزارش شفافیت شرکتی منتشر شده توسط موسسه "استاندارد اند پورز" - S اند P - در سال ۲۰۰۲ تاکید شده و بر افشای اطلاعات از حیث ساختار مالکیت، شفافیت مالی و ساختار هیأت مدیره و مدیریت توسط شرکت ها تاکید دارد به عنوان مبنای شفافیت استفاده شده است.

۲-۱- تعریف شفافیت: با وجود اینکه واژه "شفافیت" در سیستم های افشای اطلاعات

مالی و نیز در استانداردهای حسابداری کاربرد فراوانی دارد، ولی در رابطه با این واژه تعریف مشترکی که همگان در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند، وجود ندارد. به عنوان نمونه، لویت^۲

1. Damodaran

2. Levitt

(۱۹۸۵) شفافیت را همان استانداردهای مناسب و مطلوب حسابداری میدانند که صورت های مالی تهیه شده بر اساس آن ها رویدادهای مالی را در همان دوره وقوع گزارش می نمایند. آکسا^۱ (۲۰۰۶) به دنبال تعریف استاندارد اند پورز، شفافیت را به موقع بودن و کفایت افشای کارکردهای مالی و عملیاتی شرکت می داند. از نظر براون و همکاران^۲ (۲۰۰۹) بهترین تعریف شفافیت در حوزه تجاری عبارت از صورت های مالی با کیفیت است. همچنین نیلسن و همکاران^۳ (۲۰۰۹) درباره شفافیت بر این باورند که استفاده کننده اطلاعات در هر زمانی به همه چیز واقف است و او براساس اطلاعات شفاف می تواند هر موضوعی را مورد بررسی قرار دهد. در تلاش های اخیر برای اندازه گیری شفافیت از معیارهایی مانند بحران مالی یا هموارسازی سود استفاده شده است (لاندر^۴، ۲۰۰۸). در هر صورت شفافیت و افشای کامل و صادقانه اطلاعات عاملی کلیدی در کارکرد مطلوب یک بازار کارای سرمایه می باشند (حساس یگانه، ۱۳۸۵).

۲-۲- تعریف سیاست های متهورانه مالیاتی: در حالی که گزارشگری مالی متهورانه در ادبیات حسابداری به شکل گسترده بررسی شده است، گزارشگری متهورانه مالیاتی به ویژه در ایران کمتر مورد بررسی گرفته است. برخی گزارشگری متهورانه مالیاتی را به عنوان طیف وسیعی از فعالیت ها، شامل (قیمت گذاری انتقالات داخلی، بکارگیری اموال نامشهود در مکان هایی با نرخ مالیات کمتر، بکارگیری انتقال مزایا به شرکا در ساختار معاملات، تنظیم اجاره نامه های مصنوعی، و پناهگاه های مالیاتی) توصیف کرده اند (فرانک و همکاران^۵، ۲۰۰۸). هرچند همه این معاملات توسط وزارت دارایی آمریکا (IRS) نامناسب تلقی نمی شود اما همه آن ها دارای درجاتی از تهور گزارشگری مالیاتی می باشند؛ به ویژه هنگامی که اکثر آن ها توسط یک شرکت به کار گرفته شود (فرانک و همکاران^۶، ۲۰۰۸). با این حال از نظر مفهومی، تعریف فرانک و همکاران از گزارشگری مالی متهورانه چنین است که همچنان که درآمد مدیریت را بیشتر نشان می دهد ممکن است طبق محدوده اصول پذیرفته شده حسابداری باشد یا نباشد؛ و گزارشگری مالیاتی متهورانه همچنان که درآمد مشمول مالیات را تحریف می کند ممکن

-
1. Aksu
 2. Brown, et al.
 3. Nielsen, et al.
 4. Lander
 5. Frank, et al.
 6. Internal Revenue Service
 7. Frank, et al.

است طبق برنامه های مالیاتی مطرح شده در زمره روش های متقالبانه مالیاتی قرار بگیرد یا خیر. بنابراین تعریف گزارشگری متهورانه هم بر گزارشگری متقالبانه و هم مواضع غیرقطعی گزارشگری دلالت دارد. اما از نقطه نظر تجربی، آن ها بالا بودن ارقام تعهدی اختیاری قبل از مالیات (تفاوت های دائمی مالیات دفتری) که احتمالا در محدوده استانداردهای حسابداری نیز قرار دارد را به عنوان گزارشگری متهورانه مالیاتی در نظر گرفته اند (فرانک و همکاران ۲۰۰۸). اسلمرود^۱ (۲۰۰۴) استدلال می کند که مالیات متهورانه فعالیت خاصی است، که توسط مجموعه ای از معاملات که در آن هدف اولیه کاهش بدهی مالیاتی شرکت است احاطه شده است.

بلکرشنون و بلوین^۲ (۲۰۱۱)، سیاست های مالیاتی شرکتی را متهورانه تعریف می کنند که با توجه به نوع صنعت و اندازه شرکت به میزان غیرمنتظره ای کمتر مالیات می پردازد. معیار اندازه گیری تهور مالیات آن ها، بیان می کند ضمن ثابت در نظر گرفتن دیگر شرایط، شرکت های مشابه باید فرصت های برنامه ریزی مالیاتی مشابهی داشته باشند؛ و در میان شرکت ها با فرصت های برنامه ریزی مشابه، سیاست های مالیاتی شرکت هایی که میزان مالیات کمتری گزارش می کنند، متهورانه در نظر گرفته می شود.

۲-۳- پیشینه اندازه گیری برنامه ریزی متهورانه مالیاتی: بلکرشنون و بلوین

(۲۰۱۱)، بیان می کنند: در حال حاضر هیچ معیار سنجش قابل قبولی از مالیات متهورانه وجود ندارد. لیسوسکی و همکاران^۳ (۲۰۱۰) یک زنجیره از توانایی معیارهای خاص از کیفیت مالیات شرکت ها برای سنجش مالیات متهورانه فراهم کردند. اما آزمون تجربی جهت تعیین صحت حدس خود انجام ندادند. اگر چه در چند مقاله اخیر تلاش کرده اند معیارهای در نظر گرفته شده خاص "مالیات متهورانه" را توسعه بخشند، اما از چندین نقطه ضعف رنج می برد. ویلسون (۲۰۰۹) و لیسوسکی (۲۰۱۰)، معیارهای احتمالی برآورد شده ای به دست آوردند که یک شرکت را به پناهگاه های مالیاتی وارد می نماید. هر دوی این معیارها با برآورد احتمالات از ضرایب مدل لوجیت از ویژگی های شرکت های کشف شده درگیر در فعالیت های پناهگاهی مشتق شده است. هر دو این معیارها دارای دو مشکل بودند: این معیارها بر یک نمونه بسیار

1. Slemrod
2. Balakrishnan & Blouin
3. Lisowsky, et al.

کوچک از شرکت های که بر رفتار پناهگاه مالیاتی متکی بودند که الف) توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده شده بودند و ب) در طرح دعوی قضایی قرارداشتند.

ویلسون (۲۰۰۹) و لیسووسکی (۲۰۱۰)، به ترتیب ۵۹ و ۲۱۱ مورد از شرکت های درگیر در برنامه های پناهگاه مالیاتی را جهت ارائه پارامترهایی برای برآورد احتمالات پناهگاه مالیاتی مورد بررسی قرار دادند. اگرچه شواهد تجربی نشان میدهد که فرصت های برنامه ریزی مالیاتی، باعث ایجاد تفاوت های دائم می گردند، اما شواهد کمی برای حمایت از این حدس وجود دارد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). در همین راستا تعدادی از مقاله ها شواهدی پیدا کرده اند که برنامه ریزی مالیاتی افراطی با هزینه های اجرایی و ریسک پذیری همراه است (به عنوان مثال، رگو و ویلسون^۱، ۲۰۱۰، براون، و همکاران^۲، ۲۰۱۰؛ لی و همکاران^۳، ۲۰۱۰)، (بلکرشون و بولین، ۲۰۱۱).

۲-۴- عوامل بروز تهور مالیاتی: در یک بررسی کلی اختلاف و تهور مالیاتی را از بعد شخصیت های عامل بروز آن می توان، به سه دسته مؤدی، قانون گذار و مراجع مالیاتی (که به جهت بررسی دقیق تر این دو را عوامل خارجی در نظر می گیریم) تقسیم کرد.

برخی ابزارهای سیاست های متهورانه مالیات از دیدگاه مؤدی شامل: استفاده متهورانه از بدهی، استفاده بیش از حد از زیان های مالیاتی، کاهش مالیات درآمدهای سرمایه ای در بازسازی شرکتی، مطالبه بیش از حد کسورات مالیاتی برای هزینه های اجاره و استفاده از تراکنش های فروش و اجاره، استفاده از زیان های مالیاتی درآمدهای سرمایه ای، سوء مطالبه کسورات مالیاتی برای مخارج پژوهش و توسعه، دستیابی نادرست به معافیت مالیات بر درآمد، ساختارهای پیچیده هلدینگ، انجام اقداماتی از جمله مخدوش کردن دفاتر قانونی به منظور رد دفاتر و نهایتاً تشخیص علی الراس، استفاده از الفاظ، عبارات و به ویژه مفرها و گریزهای قانون (حق الزحمه، کارمزد، حق العبور...) به منظور یافتن راه هایی که مؤدی بتواند مالیاتی را نپردازد یا آن را کمتر از میزان حقه بپردازد، انجام معاملات پایاپای، معاملات نقدی، عوامل دیگر همچون حضور ماموران افتخاری در شرکت ها جهت پایین آوردن مالیات، خرید و ثبت دارایی های ثابت شرکت به صورت شخص حقیقی، انجام کار به صورت شخص حقیقی

-
1. Rego & Wilson
 2. Brown, et al.
 3. Li, et al.

برای برخی از فعالیت ها زیر پوشش نام شرکت اما به اسم شخص حقیقی جهت ثبت نشدن آنها در دفتر، و درج هزینه های غیرواقعی، می باشد.

عوامل خارجی موثر در افزایش تهور مالیاتی: از نظر بوشمن و همکاران (۲۰۰۱) گاهی اوقات شرکت ها با ایجاد ساختارهای پیچیده تلاش می کنند سرمایه گذاران را فریب داده و ارزش شرکت را بالاتر از ارزش واقعی و یا بدهی های خود را کمتر از واقع نشان دهند. همچنین پیچیدگی در گزارشات مالی شرکت ها ممکن است تعدی نبوده و مربوط به عواملی خارج از شرکت باشد نظیر: نحوه نگارش استانداردهای حسابداری و امکان تفسیرهای متفاوت و آزادی عمل شرکت ها در ارتباط با آن، تنوع در انتخاب ابزارهای مالی توسط شرکت ها و نحوه انعکاس آن در ترازنامه، و فعالیت شرکت ها در گستره های از رشته های مختلف تجاری. با تعمیم این عوامل به پیچیدگی گزارشات مالیاتی می توان گفت علاوه بر مواضع گزارشگری متقابلانه جهت فرار مالیاتی از طرف مؤدی، عوامل خارجی نیز می توانند در افزایش تهور گزارشگری مالیاتی تاثیر بگذارند؛ نظیر:

- نارسایی قوانین (نظیر: ۱.نقص قانون، ۲.سکوت قانون، ۳.اجمال قانون ۴.تناقض قوانین) (جمشیدی فرد، ۱۳۸۸).
- عدم وجود استانداردهای حسابداری مرتبط با مالیات بر درآمد(عرب مازار، ۱۳۹۰).
- مغایرت های استانداردهای حسابداری با قوانین و مقررات مالیاتی(شاه ویسی، ۱۳۸۸).
- ناکارآمدی جرایم مالیاتی

۲-۵- تبیین ارتباط بین سیاست های مالیاتی و گزارشگری مالی و شفافیت

گزارشگری: پس از نشانه های تقلب حسابداری و پناه گاه های مالیاتی متهورانه در شرکت انرون در سال ۲۰۰۱، قانون گذاران، دانشگاهیان و روزنامه نگاران همزمان به بررسی افزایش تهور گزارش های مالی و مالیاتی در سراسر شرکت های بزرگ آمریکا پرداختند. در حالی که کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC) توجه خود را بر روی موارد متعدد تقلب در حسابداری معطوف نمود (گوو، ۲۰۰۶، ۲۰۰۲).^۱ در پژوهش های قبل بررسی شد که مدیران در هنگام تصمیم گیری های مالی و گزارش مالیاتی با یک موازنه مواجه هستند (بلکرشون و

بولین، ۲۰۱۱)، و تلاش مدیران برای افزایش درآمد مالی گزارش شده ممکن است به تحمل هزینه های مالیات بر درآمد بالاتر منجر شود. به طور مشابه، تلاش مدیران برای به حداقل رساندن درآمد جهت گزارش به مقامات مالیاتی ممکن است کاهش درآمد گزارش شده به سهامداران و در نتیجه هزینه های گزارشگری مالی را در پی داشته باشد. در مقابل روند اخیر باید در نظر داشت که شرکت همیشه بدنبال موازنه تصمیم گیری های گزارش مالی و مالیاتی نبوده، و در واقع برخی از شرکت ها ممکن است درآمد دفتری بالاتر را به سهامداران، و درآمد مشمول مالیات پایین تر را به مقامات مالیاتی گزارش نمایند. این شکاف رو به رشد بین درآمد مالی و در آمد مشمول مالیات نشان می دهد که شرکت ممکن است همیشه به موازنه تصمیم گیری های مالی و گزارش مالیاتی نپردازد. وجود حوزه هایی از ناهمخوانی قوانین بین حسابداری مالی و مالیاتی نیز، فرصت هایی برای کاهش درآمد مشمول مالیات ثبت شده در دفاتر و افزایش درآمد مالی گزارش شده در همان دوره گزارش دهی را برای شرکت ها فراهم می نماید (فرانک و همکاران، ۲۰۰۹).

لینوکس و همکاران (۲۰۱۲)، معتقدند از دیدگاه نمایندگی، فواید مدیریتی تهور مالیاتی برای سهامداران شامل صرفه جوئی بیشتر مالیاتی برای شرکت است؛ درحالی که با هزینه های حاشیه ای شامل احتمال بالقوه برای جرائم مالیاتی و مجازات های تحمیلی از سوی سازمان مالیاتی، هزینه های پیاده سازی، هزینه های اعتباری و هزینه های سیاسی همراه است (اسلمرود، ۲۰۰۴؛ اسکولز و همکاران^۱، ۲۰۰۵؛ هانلون و اسلمرود^۲، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران^۳، ۲۰۱۰). اقدام های متهورانه مالیاتی در ارتباط با این احتمال است که شرکت ها با حذف نقش حاکمیت شرکتی اقدام به تحریف و تقلب در حساب های شرکت نمایند (لینوکس و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین بوشمن و همکاران (۲۰۰۴)، مشکلات بالقوه پیچیدگی سازمانی در رابطه با شفافیت را به شرح زیر توصیف کرده اند: پیچیدگی عملیاتی می تواند از طریق ورود شرکت در حیطه محدودیت های معاملات ارزی از جمله قوانین مالیاتی و محدودیت های مالی بوجود آیند. به عنوان مثال، ممکن است شرکت طرح های پیچیده قیمت گذاری انتقالی را جهت انتقال سود به حوزه هایی که نرخ مالیات قانونی پایین تر است بکار بگیرد. این موضوع می تواند تلاش های سهامداران و اعضای هیأت مدیره خارجی شرکت جهت درک عملیات شرکت را با مشکلات عدیده ای مواجه سازد.

1. Scholes, et al.

2. Hanlon & Slemrod

3. Chen, et al.

۳- پیشینه پژوهش

عرب مازار یزدی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان "بررسی تاثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی" با تاکید بر موضوع شفافیت گزارشگری مالی، به بررسی ارتباط آن با گزارشگری مالیاتی پرداخته اند. جامعه آماری تحقیق آن ها استان تهران و در پنج گروه ۳۰ نفره شامل اعضای هیات علمی دانشگاه، حسابرسان مستقل (حسابدار رسمی)، کارشناس های مالی (بورس اوراق بهادار تهران)، ممیزین مالیاتی (سازمان امور مالیاتی استان تهران) و مدیران مالی (به نمایندگی تهیه کنندگان گزارشگری مالی)، شاغل در سال ۱۳۸۹ و از طریق توزیع پرسشنامه صورت گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بوده است؛ به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تامین خواهد شد.

سجادی و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی تاثیر انتخاب ساختار سرمایه را بر روی عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از طریق تجزیه و تحلیل داده های ۷۶ شرکت برای دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۸۷ بررسی نموده اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین نسبت بدهی های کوتاه مدت به کل دارایی ها و نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها با نرخ بازده دارایی ها رابطه منفی و معنی داری وجود دارد اما، بین ساختار سرمایه (نسبت بدهی های کوتاه مدت به کل دارایی ها، نسبت بدهی های کوتاه مدت به کل دارایی ها و نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها) و عملکرد شرکت (بازده حقوق صاحبان سهام و حاشیه سود ناخالص) رابطه معنی داری وجود ندارد. به بیان دیگر، در شرایط عادی انتخاب ساختار سرمایه یا هیچ تاثیری بر روی عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد، یا این تاثیر بسیار اندک است.

هاشمی و بکرانی (۱۳۹۰) در پژوهشی رابطه بین تصمیمات ساختار سرمایه با ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکت برای شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار داده اند؛ که هدف آن تعیین رابطه میان سه نسبت مالی به عنوان معیارهای ساختار سرمایه با سازوکارهای نظام راهبری و ساختار مالکیت شرکت ها و جامعه آماری پژوهش، شرکت های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۱ بود. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل رگرسیونی داده ها بیانگر وجود رابطه معنی دار بین تصمیمات ساختار سرمایه شرکت با ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکتی بوده است. باباجانی و عبدی (۱۳۸۹)، به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها پرداخته اند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت

شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. این موضوع با استفاده از داده های ۸۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. نتایج پژوهش بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، بوده است. این در حالی است که در هر گروه شرکت ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

عرب صالحی و ضیایی (۱۳۸۹) در پژوهشی، رابطه بین کیفیت سود و برخی از ویژگی های هیات مدیره (به عنوان اصلی ترین سازوکار نظام راهبری شرکت) در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی نمودند. در این پژوهش، کیفیت سود، بر اساس مفهوم رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد و با معیار نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت های عملیاتی به سود عملیاتی سنجیده شده است. نتایج بررسی تعداد ۱۵۶ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین کیفیت سود با تفکیک پست مدیر عاملی و ریاست هیات مدیره شرکت، رابطه ای وجود ندارد اما بین کیفیت سود با نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره و اندازه هیات مدیره شرکت، رابطه وجود دارد.

لنیس و ریچاردسون^۱ (۲۰۱۱) در پژوهش با عنوان "تاثیر ترکیب هیأت مدیران بر اقدامات متهورانه و تقلیل دهنده مالیاتی" این ارتباط را مورد بررسی قرار داده است. نتایج رگرسیون لجیت برای نمونه انتخابی از ۳۲ شرکت که شامل ۱۶ شرکت دارای رفتارهای متهورانه و ۱۶ شرکت بدون رفتارهای متهورانه مالیاتی، نشان می دهد که وجود سهم بالایی از اعضای خارجی در هیأت مدیران، احتمال رفتارهای متهورانه و تقلیل دهنده مالیاتی را کاهش می دهد.

بلکرشون و بولین (۲۰۱۱)، در پژوهشی تحت عنوان "آیا سیاست های مالیاتی متهورانه شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می دهد؟" دریافتند که اگر چه برنامه ریزی مالیاتی باعث صرفه جویی هایی در مالیات مورد انتظار می گردد، از طرف دیگر به طور همزمان می تواند باعث افزایش پیچیدگی سازمان گردد. و اگر این پیچیدگی از حدی بیشتر شود باعث ایجاد مشکلات شفافیت می گردد.

فرانک و همکاران^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی تحت عنوان "گزارشگری مالیاتی متهورانه و ارتباط آن با گزارشگری مالی متهورانه"، به یک رابطه قوی و مثبت بین این دو نوع گزارشگری دست

1. Lanis & Richardson

2. Frank, et al.

یافتند. یکی دیگر از نتایج مهم این پژوهش بررسی اثر دو جانبه گزارشگری مالی متهورانه و گزارشگری مالیاتی متهورانه بر نرخ بازده آتی سهام بوده است.

بوشمن و همکاران^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان "اطلاعات حسابداری مالی، پیچیدگی سازمانی، وسیستم نظارتی شرکت" اشاره کرده اند که پیچیدگی می تواند شفافیت را از طریق کانال های مختلف تحت تاثیر قرار دهد. حتی در صورت عدم وجود مسائل حسابداری مالی، به هر حال، تاثیر برنامه ریزی مالیاتی بر استراتژی های عملیاتی و مالی می تواند به ارائه غیرشفاف اطلاعات شرکت منجر گردد. یک احتمال دیگر این است که برنامه ریزی مالیاتی متهورانه بر عدم قطعیت اطلاعات و عدم تقارن اطلاعات و به شکل بالقوه بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر گذار است.

۴- روش پژوهش

این پژوهش از جنبه هدف از نوع کاربردی بوده و از حیث نحوه گردآوری داده ها از نوع توصیفی و همبستگی است.

۵- فرضیه ها

جهت سنجش ارتباط متغیرهای مورد آزمون و تعیین این نکته که در نمونه انتخابی، شفافیت شرکتی از منظر ساختار مالکیت، شفافیت مالی و ترکیب هیأت مدیره می تواند با برنامه ریزی مالیاتی شرکت مرتبط باشد یا خیر، فرضیه هایی به تفکیک زیر تدوین شد.

فرضیه اول: بین شفافیت ساختار مالکیت و حقوق مالکان و سیاست های متهورانه مالیاتی ارتباط معنا داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین شفافیت اطلاعات مالی و عملکردی و سیاست های متهورانه مالیاتی ارتباط معنا داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین شفافیت ساختار و ترکیب هیأت مدیره و سیاست های متهورانه مالیاتی ارتباط معنا داری وجود دارد.

1. Bushman, et al.

۶- جامعه و نمونه آماری

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است (که تا تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۹ تعداد آن ها ۳۴۱۱ شرکت بود) و اطلاعات مورد نیاز مربوط به آن ها در دسترس می باشد؛ و به جهت همگن بودن نمونه، دارای شرایط زیر هستند:

۱. جزو شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشند.
۲. پایان سال مالی آن ها پایان اسفند ماه باشد.
۳. در دوره زمانی پژوهش یعنی سال های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته باشد.

در مرحله بعد از میان این جامعه آماری تعداد ۱۱۳ شرکت به روش حذف سیستماتیک به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۷- متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: شفافیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل پژوهش می باشد. در این پژوهش میزان شفافیت به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده و برای تعیین میزان شفافیت شرکتی، از معیارهای "استاندارد اند پورز" (۲۰۰۲) استفاده گردیده است. براساس این مدل، میزان شفافیت شرکتی از سه جزء زیر و در مجموع از ۹۸ معیار تشکیل می شود:

۱. شفافیت در ساختار مالکیت و حقوق مالکان (شفافیت مالکیت) (۲۸ معیار)
۲. شفافیت مالی و افشای اطلاعات (شفافیت مالی) (۳۵ معیار)
۳. شفافیت در ساختار هیأت مدیره و مدیریت (شفافیت مدیریت) (۳۵ معیار)

در صورت وجود هر یک از این معیارها در اطلاعات منتشر شده شرکت ها، نمره ۱ و در صورت عدم وجود آن ها نمره صفر در نظر گرفته شده است.

تعدادی از معیارهای دسته اول عبارتند از: افشای سهامداران شرکت بر اساس ماهیت آن ها اعم از حقوقی، حقیقی و ...، تعداد سهام و ارزش اسمی آن ها، تعداد سهام ۵ و ۱۰ سهامدار عمده، تقویم جلسات سهامداران، دستور جلسات آن ها و نحوه معرفی مدیران.

تعدادی از معیارهای دسته دوم عبارتند از: برنامه های راهبردی و روند صنعت و تجارت شرکت، جزئیات تولید، جزئیات فروش و سودآوری، سهم بازار، پیش بینی سودآوری و محصولات و بخش های شرکت، تهیه سود و زیان، ترازنامه، تهیه صورت گردش وجوه نقد، معامله با اشخاص وابسته، گزارش های حسابرسی.

تعدادی از معیارهای دسته سوم عبارتند از: اطلاعاتی در خصوص اعضای هیأت مدیره از جمله سوابق و تجربه های گذشته، مدت همکاری آن ها با شرکت، تصمیم های هیأت مدیره، کمیته حسابرسی، کمیته ارتقاء کارکنان، کمیته انتخاب مدیران، تعداد سهام مدیران ارشد و اعضای هیأت مدیره، حقوق و دستمزد مدیران ارشد و اعضای هیأت مدیره و برنامه های آموزشی مدیران.

در صورت وجود هر یک از اطلاعات فوق در گزارش های مربوط به شرکت موجود باشد، نمره ۱ و در غیر اینصورت نمره صفر به آن داده شده است. نمره نهایی شفافیت شرکتی (TDS) برای هر شرکت از طریق رابطه زیر محاسبه شده است (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۸۸):

$$(۲) \quad TDS = \sum \sum S_{jk} / TOTS$$

که در آن، TDS: رتبه نهایی شفافیت و افشا، J: حوزه سنجش شفافیت، K: شماره معیار. TOTS: حداکثر امتیاز قابل تخصیص، S_{jk} : نمره تخصیص یافته برای هر معیار می باشد.

متغیر وابسته: متغیر وابسته پژوهش سیاست های متهورانه مالیاتی^۱ (TAG) می باشد. منظور از سیاست های مالیاتی متهورانه، تفاوت مالیات ابرازی مودیان با مالیات تشخیصی توسط سازمان امور مالیاتی می باشد. شرکت ها و حسابرس مالیاتی در راستای ماده ۲۷۲ ق.م.م مالیات را در اظهارنامه ابراز می کنند؛ ولی عموماً ممیزین مالیاتی مجدداً به بررسی گزارش حسابرس مالیاتی به طور جز به جز می پردازند که عموماً با آن ها در اختلاف هستند. تفاوت این دو به عنوان خط مشی متهورانه مالیاتی شرکت ها در نظر گرفته شده است. این تفاوت را به راحتی می توان در یادداشت مالیات در پیوست ترازنامه شرکت ها مشاهده و محاسبه نمود (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۰).

متغیرهای کنترل: متغیرهای کنترل شامل نسبت اهرمی، فرصت های رشد (نسبت ارزش بازار به دفتری)، سن و اندازه شرکت می باشد.

۸- یافته ها و نتایج

جهت آزمون فرضیه ها از آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شده است؛ که شامل آزمون فرضیه های اصلی با استفاده از رگرسیون لجستیک برای ارزیابی تاثیر تعدادی از عوامل بر احتمال اینکه شرکت ها بند مالیاتی در گزارش حسابرس را اعمال کرده اند می باشد. از آماره کای دو به منظور تعیین میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و به طور کلی

برآزش کل معدل، و از آزمون والد جهت بررسی معنی دار بودن متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون استفاده شده است.

یافته های پژوهش: آمار توصیفی متغیرهای مستقل (شفافیت ساختار مالکیت، شفافیت اطلاعات مالی، شفافیت ساختار هیأت مدیره) و متغیر وابسته (سیاست های متهورانه مالیاتی) و متغیرهای کنترلی پژوهش به صورت تجمعی برای سال های ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۰ در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول (۱): آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

فرصت های رشد	اندازه شرکت	نسبت اهرمی	سن شرکت	شاخص شفافیت ساختار هیئت مدیره	شاخص شفافیت عملکرد مالی	شاخص شفافیت ساختار مالکیت	بند حسابرسی
۰,۸۴۳۹	۵,۸۷۷۹	۰,۶۴۳۳	۴۰,۰۰۸	۰,۲۲۸۴	۰,۵۴۲۳	۰,۵۷۷۰	۰,۷۳
۰,۴۴۰۰	۵,۷۹۸۰	۰,۶۵۱۰	۴۳,۰۰۰	۰,۲۱۴۳	۰,۵۵۵۶	۰,۶۰۰۰	۱,۰۰
۱,۳۷۲۵۸	۰,۵۹۶۹۶	۰,۱۸۲۰۸	۱۱,۳۵۷	۰,۰۵۸۸۹	۰,۰۷۷۲۴	۰,۰۴۶۳۱	۰,۴۴۴
۵,۵۸۰	۰,۵۶۷	۰,۱۸۳	-۰,۴۲۰	۰,۱۸۸	-۰,۳۷۶	-۱,۷۶۶	-۱,۰۷۶
۳۶,۱۵۴	۱,۱۰۲	۰,۷۸۶	-۰,۸۱۰	-۰,۷۸۶	۰,۷۳۴	۱,۹۴۶	-۰,۸۵۷
۰,۰۴	۴,۳۹	۰,۱۹	۱۵	۰,۱۱	۰,۳۴	۰,۴۰	۰
۱۰,۹۸	۷,۹۲	۱,۱۸	۶۰	۰,۳۶	۰,۷۶	۰,۶۰	۱

مأخذ: یافته های پژوهشگر

میانگین بهترین شاخص توصیفی در داده های کمی است. در متغیرهایی که تنها دو پاسخ داشته باشند، میانگین، نسبت هر یک از پاسخها را نشان خواهد داد. به عنوان مثال میانگین ۰/۷۳ برای متغیر **بند حسابرسی** به این معناست که ۷۳٪ از داده ها ارزش یک گرفته و دارای سیاست های متهورانه بوده اند؛ و ۲۷٪ داده ها ارزش صفر گرفته اند. میانگین های ساختار و ترکیب هیأت مدیره ۰/۲۲۸، **عملکرد مالی و افشای اطلاعات** ۰/۵۴۲، **ساختار مالکیت و حقوق مالکان** ۰/۵۷۷ و انحراف معیار آن ها به ترتیب ۰/۰۵۸، ۰/۰۷۷ و ۰/۰۴۶ می باشد. از طرفی آماره های پراکندگی سعی دارند میزان گستردگی و پراکنش مشاهده ها را اندازه گیری کنند. مهم ترین آماره های پراکندگی واریانس و انحراف معیار هستند. اگر واریانس صفر باشد مفهوم آن این است که همه نمونه ها یک عدد واحد هستند؛ پس هرچه واریانس بیشتر باشد مقادیر بیشتر پراکنده هستند.

دو آماره مهم برای نمایش توزیع مقادیر یک متغیر ضریب چولگی و کشیدگی می باشد. منظور از توزیع متقارن توزیعی است که سه آماره مرکزی یعنی میانگین، میانه و نما بر هم منطبق باشند. اگر توزیع متقارن نباشد می گوییم چوله است. با توجه به اینکه ضریب چولگی متغیر ساختار و ترکیب هیأت مدیره ۰/۱۸۸ و مثبت است کمی دارای چوله به راست می باشد که از نظر قرینگی (۰,۵) تفاوت زیادی با توزیع نرمال ندارد. ضریب چولگی عملکرد مالی و افشای اطلاعات ۰/۳۶۷- و نشان می دهد چوله به چپ بوده و با توزیع نرمال کمی متفاوت است. ضریب کشیدگی ساختار و ترکیب هیأت مدیره ۰/۷۸۶- است و پایین تر از منحنی نرمال است. همچنین ضریب کشیدگی متغیر عملکرد مالی و افشای اطلاعات ۰/۷۳۴ است کمی بلندتر از توزیع نرمال می باشد.

همین طور صدک ۷۵ برای متغیر ساختار و ترکیب هیأت مدیره ۰/۲۶۷ است و بیان می کند که ۷۵٪ داده ها از این مقدار کمتر است. همینطور صدک ۲۵ برای این متغیر ۰/۱۷۸ است و بیان می کند که ۲۵٪ داده ها از این مقدار کمتر است.

رگرسیون لجستیک، شبیه به رگرسیون معمولی است؛ با این تفاوت که روش تخمین ضرایب یکسان نمی باشد. در رگرسیون لجستیک، به جای حداقل کردن مجذور خطاها (که در رگرسیون معمولی انجام می گیرد)، احتمال را که برای واقعه رخ میدهد حداکثر می کند. همچنین در تحلیل رگرسیون معمولی، برای بررسی معنی دار بودن رابطه از آمارهای استاندارد t و f استفاده می شود در حالی که در رگرسیون لجستیک از آمارهای "کای دو" و "والد"^۱ استفاده می شود. آمار والد از رابطه ذیل استفاده می شود. در این رابطه β_i ضریب متغیر x_i و S.E خطای معیار است.

$$Wald(x_i) = \left(\frac{B_i}{S.E} \right) \quad (1)$$

آماره کای دو به منظور تعیین میزان اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و به طور کلی برارزش کل معدل می باشد و قابل مقایسه با آمار f در تحلیل رگرسیون معمولی است. آزمون والد معنی دار بودن متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون را بررسی و قابل مقایسه با آماره t در رگرسیون معمولی می باشد (مومنی و فعال قیومی، ۱۳۸۶).

(۱) آزمون فرضیه اول: با توجه به آماره والد و سطح معناداری مربوط به متغیر مستقل، متغیر شفافیت براساس ساختار مالکیت و حقوق مالکان با آماره والد (۱/۱۹۸) و

($\text{sig} = 0/274$) بیشتر از ۵٪ است و نشان می دهد بین شفافیت بر اساس ساختار مالکیت و حقوق مالکان با بند حسابرسی مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۲): آزمون والد در فرضیه اول

شیب خط	خطای معیار	والد	درجه آزادی	سطح معناداری	
-۵/۸۴۴	۵/۳۳۹	۱/۱۹۸	۱	۰/۲۷۴	ساختار مالکیت
۴/۴۰۷	۳/۱۲۰	۱/۹۹۵	۱	۰/۱۵۸	ثابت

مأخذ: یافته های پژوهشگر

(۲) آزمون فرضیه دوم: با توجه به آماره والد و سطح معناداری مربوط به متغیر مستقل، متغیر شفافیت عملکرد مالی و افشای اطلاعات با آماره والد (۵/۴۳۴) و ($\text{sig} = 0/020$) و کوچکتر از ۵٪ است و نشان می دهد بین نسبت شفافیت عملکرد مالی و افشای اطلاعات با وجود بند مالیاتی در گزارش حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۳): آزمون والد در فرضیه دوم

شیب خط	خطای معیار	والد	درجه آزادی	سطح معناداری	
-۶/۶۸۴	۲/۸۶۷	۵/۴۳۴	۱	۰/۰۲۰	عملکرد مالی
۴/۷۱۳	۱/۶۲۶	۸/۴۰۰	۱	۰/۰۰۴	ثابت

مأخذ: یافته های پژوهشگر

(۳) آزمون فرضیه سوم: با توجه به آماره والد و سطح معناداری مربوط به متغیر مستقل، متغیر شفافیت ساختار و ترکیب هیأت مدیره با آماره والد (۰/۶۹۹) و ($\text{sig} = 0/403$) و بزرگتر از ۵٪ است بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت بین شفافیت ساختار و ترکیب هیأت مدیره با وجود بند مالیاتی در گزارش حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول (۴): آزمون والد در فرضیه سوم

سطح معناداری	درجه آزادی	والد	خطای معیار	شیب خط	
۰/۴۰۳	۱	۰/۶۹۹	۳/۶۹۳	۳/۰۸۸	ساختار هیئت مدیره
۰/۷۰۷	۱	۰/۱۴۱	۰/۸۵۲	۰/۳۲۰	ثابت

مأخذ: یافته های پژوهشگر

مدل کامل شامل همه پیش بینی کننده های اصلی، به لحاظ آماری معنادار بود؛ یعنی کای دو نشان می دهد که این مدل تقریباً قادر به تشخیص شرکت های دارای اعمال وجود بند مالیاتی در گزارش حسابرس بوده است. این مدل به طور کلی قبل از ورود متغیرهای کنترل $R^2=0/105$ از واریانس وضعیت تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی را تبیین کرد و بطور کلی ۷۳/۵ درصد موردها را بطور صحیح طبقه بندی کرد. ولی بعد از ورود متغیرهای کنترل $R^2=0/076$ از واریانس این تفاوت را تبیین کرد. در ادامه با روش فوروارد بعد از ورود متغیرهای کنترل ۷۳/۵٪ از موردها را بطور صحیح پیش بینی نمود. در جدول ضرایب دیده می شود قبل از ورود متغیرهای کنترل فقط متغیر مستقل شفافیت عملکرد مالی رابطه معنادار آماری در مدل داشته، اما با ورود متغیرهای کنترل نیز تنها متغیر باقی مانده در مدل باز هم متغیر شفافیت عملکرد مالی بود که در مدل باقی ماند. در مجموع تنها متغیر مستقل اصلی شفافیت عملکرد مالی و افشای اطلاعات معنادار بوده و سایر متغیرها رابطه معناداری با اعمال بند مالیاتی در گزارش حسابرس نداشته اند.

جدول (۵): آزمون والد متغیرهای اصلی

سطح معناداری	درجه آزادی	والد	خطای معیار	شیب خط	ساختار مالکیت
۳۴۸/۰	۱	۸۸۰/۰	۴۹۴/۵	۱۵۳/۵-	ساختار مالکیت
۰۱۷/۰	۱	۶۶۷/۵	۹۷۴/۲	۰۸۱/۲-	عملکرد مالی
۱۹۷/۰	۱	۶۶۵/۱	۹۴۳/۳	۰۸۷/۵	ساختار هیئت مدیره
۰۵۰/۰	۱	۶۳۲/۳	۵۵۷/۳	۷۷۹/۶	ثابت

مأخذ: یافته های پژوهشگر

نتایج آزمون فرضیه اول: بین شفافیت ساختار مالکیت و حقوق مالکان و سیاست های متهورانه مالیاتی ارتباط معناداری وجود ندارد. در مقاله استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱)، نتیجه گرفته شد که شرکت های سهامی خصوصی نسبت به شرکت های سهامی غیرخصوصی، از رفتارهای متهورانه و تقلیل دهنده مالیاتی کمتری برخوردارند؛ و شرکت های سهامی که مدیران ارشد اجرایی آن دارای مالکیت سهام کمتری هستند بیشتر خواهان رفتارهای متهورانه مالیاتی هستند. همچنین پژوهش فریز لینک و مایر (۲۰۰۸) به ارتباط بین ساختار واقعی حاکمیت شرکتی و مدیریت امور مالیاتی شرکت ها اشاره دارد. این نتیجه می تواند مبین این نکته باشد که احتمالاً شفافیت ساختار مالکیت و حقوق مالکان و برنامه ریزی های متهورانه مالیاتی در شرکت های نمونه با عواملی که

در ساختار حقیقی مالکیت دخیل می باشند همبستگی ندارند. لذا نتیجه آزمون این فرضیه می تواند توجه را به این نکته جلب نماید که احتمال دارد اطلاعات منتشر شده توسط مدیریت جهت افزایش شفافیت مالکیت تعیین شده با ساختار حقیقی حقوق مالکان چندان همسو و همبسته نباشد.

نتایج آزمون فرضیه دوم: بین شفافیت اطلاعات مالی و عملکردی و سیاست های متهورانه مالیاتی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

از این نظر، نتیجه حاصل مشابه نتیجه پژوهش فرانک و همکاران (۲۰۰۸) می باشد. آن ها به یک رابطه قوی و مثبت بین گزارشگری متهورانه مالی و مالیاتی دست یافتند؛ و بیان کردند گزارشگری متهورانه مالیاتی ایهام گزارشگری مالی شرکت را افزایش خواهد داد. نتیجه آزمون این فرضیه حاکی این مطلب است که هرچه مدیریت به برنامه ریزی های متهورانه جهت کاهش مالیات روی آورد باید به کاهش میزان شفافیت اطلاعات مالی و به تبع آن نگرش بازار نسبت به اطلاعات منتشر شده و تصمیم گیری آن ها نیز توجه نماید.

در پژوهش های عرب مازار یزدی و همکاران (۱۳۸۹)، بلکرشنون و بلوین (۲۰۱۱)، بوشمن و همکاران (۲۰۰۴)، جاوو (۲۰۰۶)، چنگ و ون (۲۰۰۱)، رگو و ویلسون (۲۰۱۲)، هانلون و اسلمرود (۲۰۰۹)، و اللول و همکاران (۲۰۱۲) نیز عنوان شد، برنامه ریزی مالیاتی متهورانه ایهام محیط اطلاعاتی شرکت را افزایش می دهد.

نتایج آزمون فرضیه سوم: بین شفافیت ساختار و ترکیب هیأت مدیره و سیاست های متهورانه مالیاتی ارتباط معناداری وجود ندارد.

علیرغم نتایج پژوهش هایی همچون فریز، لینک و مایر (۲۰۰۸)، استیجورس و نیسکانن (۲۰۱۱)، لنیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) که بیان می نماید، وجود سهم بالایی از اعضای خارجی در هیأت مدیران، احتمال رفتارهای متهورانه و تقلیل دهنده مالیاتی را کاهش می دهد؛ نتایج پژوهش حاضر به ارتباط معناداری بین شفافیت ساختار و ترکیب هیأت مدیره و معیار سیاست متهورانه دست نیافت.

۹- نتیجه گیری

به طور کلی نتیجه نهایی بررسی ها نشان داد مدل به کار رفته در این پژوهش می تواند در ۷۳٫۵ درصد از موارد متغیر وابسته را پیش بینی نماید. بدین معنا که میزان شفافیت شرکتی غالباً می تواند سیاست های متهورانه مالیاتی را پیش بینی نماید. اما نتیجه گیری مهمی که باید مورد عنایت ویژه قرار گیرد این است که عدم وجود رابطه معنادار یا وجود رابطه مثبت بین

سیاست های متهورانه مالیاتی و شفافیت شرکتی در ایران می تواند به این دلیل باشد که بازار سرمایه در ایران به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران یک بازار غیرکارا می باشد. در بازارهای غیرکارا اعتماد عمومی نسبت به صحت و شفافیت اطلاعات منتشر شده بسیار کمتر می باشد و سرمایه گذاران به جای این که اطلاعات مالی به دست آمده از بازار را مبنای تصمیم گیری خود قرار دهند به اطلاعات کسب شده از دیگر راه ها، اتکا می کنند. یافته های تجربی این پژوهش با توجه به نتایج آزمون فرضیه دوم، نشانگر تاثیر نامطلوب سیاست های متهورانه شرکت بر شفافیت شرکتی می باشد. این یافته ها می تواند برای سازمان بورس اوراق بهادار یعنی نهاد ناظر بر بازار سرمایه کشور دارای کاربردهای مشخص عملی باشد. از دیگر سوی دست یافتن به رابطه معکوس سیاست های متهورانه و شفافیت شرکتی به شکل تلویحی نشان دهنده تاثیر مطلوب محافظه کاری بر کیفیت افشا اطلاعات در محیط گزارشگری مالی و بازار سرمایه کشورمان می باشد. انتخاب ساختار سرمایه یا هیچ تاثیری بر روی عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد، یا این تاثیر بسیار اندک است. از طرفی استقرار مناسب سازوکارهای راهبری شرکتی، اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقای پاسخگویی و شفافیت شرکتی می باشد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰).

۱۰- پیشنهادها

۱. با توجه به دلایل بیان شده در این پژوهش در انتخاب معیار مناسب جهت سنجش میزان تهور مالیاتی پیشنهاد می شود، پژوهش بیشتر در این زمینه و یافتن معیارهای جامع تر و همچنین ارائه تعریف دقیق تر از سیاست های متهورانه مالیاتی در جهت ارتقای ادبیات حسابداری این سیاست گذاری ها مد نظر پژوهشگران قرار گیرد.
۲. استفاده از سایر معیارها به منظور تعیین میزان شفافیت و نیز اعمال شاخص هایی مانند آثار بندهای شرط مرتبط با مالیات به شکل جزئی تر در گزارش های حسابرسی جهت تعیین میزان دقیق تر شفافیت و تهور مالیاتی شرکت ها.

منابع:

- ۱- باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید (۱۳۸۹)؛ "رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها"، پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم شماره سوم، صص. ۸۶-۶۵.
- ۲- جمشیدی فرد، سعید (۱۳۸۸)؛ "مالیات و حسابداری-تعارض و تعامل" ماهنامه حسابرس، پاییز ۱۳۷۹ - شماره ۸ - صص ۲۶-۳۲
- ۳- حساس یگانه، یحیی؛ باغومیان، رافیک (۱۳۸۵)؛ "نقش هیأت مدیره در حاکمیت شرکتی"، ماهنامه حسابداری، شماره ۱۷۳، تیرماه.
- ۴- سجادی، سیدحسین؛ محمدی، کامران؛ عباسی، شعیب (۱۳۹۰)؛ "بررسی تاثیر انتخاب ساختار سرمایه بر روی عملکرد شرکت های بورسی" حسابداری مالی؛ سال سوم، شماره ۹: صص ۱۹-۳۸.
- ۵- سینایی، حسنعلی؛ داودی، عبدالله (۱۳۸۸)؛ "بررسی رابطه شفافسازی اطلاعات مالی و رفتار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران" تحقیقات مالی، دوره ۱۱، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۴۳-۶۰
- ۶- شاه ویسی، فرهاد (۱۳۸۸)؛ "اختلاف بین اصول و قواعد حاکم بر حسابداری مالی و حسابداری مالیاتی".
- ۷- طالب نیا، قدرت اله؛ وکیلی فرد، حمیدرضا؛ عرب مازار، علی اکبر؛ صمدی لرگانی، محمود (۱۳۹۰)؛ "بررسی تاثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی" حسابداری مالی؛ ۳(۹): صص ۶۷-۸۳.
- ۸- عرب صالحی مهدی؛ ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۹)؛ "ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" حسابداری مالی؛ ۲(۵): صص ۳۹-۵۶
- ۹- متن قانون مالیات های مستقیم. سازمان امور مالیاتی کشور.
<http://www.intamedia.ir/reg/DirectTaxLaw.pdf>
- ۱۰- مشایخی، بیتا (۱۳۸۹)؛ "شفافیت، اطلاعات حسابداری مالی و سامانه راهبری شرکتی" ماهنامه حسابداری، اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹ - شماره ۲۱۶ و ۲۱۷.
- ۱۱- مومنی، علی؛ فعال قیومی، منصور (۱۳۸۶)؛ تحلیل آماری با استفاده از spss15.
- ۱۲- نوبخت، زهرا (۱۳۸۵)؛ "ارزیابی شفافیت اطلاعات شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران" ماهنامه بورس «شهریور و مهر ۱۳۸۵ - شماره ۵۴ و ۵۵.

۱۳- هاشمی، سیدعباس؛ بکرانی، کیوان (۱۳۹۰)؛ "تاثیر ساختار مالکیت و نظام راهبری شرکتی بر تصمیمات ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" **حسابداری مالی** ۳(۹):صص ۱-۱۸.

- 14- Balakrishnan, K; L, Blouin; R, Guay; (2011); "Does Tax Aggressiveness Reduce Financial Reporting Transparency".
- 15- Bushman, R.M; Chen, Q., Engel, E., Smith, A.J; (2004); "Financial accounting information, organizational complexity and corporate governance systems"; **Journal of Accounting & Economics** 37, 167-201.
- 16- Bushman, R.M; Piotroski, J; Smith, A.J; (۲۰۰۱); "What determines corporate transparency?" University of North Carolina, University of Chicago and Harvard Business School.
- 17- Bushmen, R.M; Smith, A.J; (2003); "Transparency, Financial accounting information, and Corporate Governance", **Economic policy Review**, April,P:65-79.
- 18- Center for International Analysis and Research (CIFAR) 1995. International Accounting and Auditing Trends, Fourth Edition. Princeton, Nj: Cifar Publications Inc.,
- 19- Chen, S; X. Chen; Q. Cheng; T. Shevlin; (2010); "Are family firms more tax aggressive than non-family firms " **Journal of Financial Economics** 95: 41-61.
- 20- Damodaran, A; (۲۰۰۲); "Information Transparency and Valuation: Can you value what you cannot see?" **Stern School of Business**.
- 21- Ellul, A; Jappelli, T; Pagano, M; Panunzi, F; (2012); "Transparency, Tax Pressure and Access to Finance" **ECGI - Finance Working Paper** No. 332/2012 AFA 2012 Chicago Meetings Paper.
- 22- Frank, Mary Margaret; J. Lynch, Luann; O. Rego, Sonja; (2009); "Tax Reporting Aggressiveness and its Relation to Aggressive Financial Reporting"; **Accounting Review**, Vol. 84, No. 2, 2009. 467-496
- 23- Freise, A., S. Link, and S. Mayer; (2008); "Taxation and corporate governance – the state of the art. In W. Schön, ed. Tax and Corporate Governance" **Berlin Heidelberg: Springer-Verlag**.
- 24- Hanlon, M., and J. Slemrod; (2009) "What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax aggressiveness" **Journal of Public Economics** 93: 126-141.
- 25- Hanlon, M; Heitzman, S; (2010); "Tax research: Real effects, reporting effects, and governance"; **MIT working paper**.
- 26- Harari, M; Sitbon, O; Donyets-Kedar, R; (2012); "The Missing Billions: Aggressive Tax Planning and Corporate Social Responsibility"; **csustan.edu/aaba/Harari2012.pdf**.

-
- 27- LennoxTyRE, Clive; Lisowsky, Pittman; (2012); "Tax Aggressiveness and Accounting Fraud". <http://ssrn.com/abstract=2016166>: 1-53.
- 28- McKinnon, J. (2004) "Many companies avoided taxes even as profits soared in boom" **The Wall Street Journal** (April 6): A1.
- 29- U.S. Department of the Treasury, (1999) "The problem of corporate tax shelters: discussion, analysis and legislative proposals" **U.S. Government Press, Washington, D.C.**
- 30- Vishwanath,T and D. Kaufmann; (1999); "Towards Transparency in financial and Governance".
http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=25897